

شان...

می‌گویند که اسمی از آنها در خاطرم نیست
محکمی از خود به جا گذاشته‌اند

چشم از جهان بسته و به دیار باقی شتافته‌اند. نام‌هایی که بسیاری از آنها در زمانه خویش و حتی به‌خاطر سینی یکی از چهره‌هایی است که می‌توان به او اشاره کرد و چه کسی که بازی‌های درخشان این چهره صبور در دسترس باشد نامش نیز جاری است و بر افراد اثر خواهد گذاشت. مانند پرویز پورحسینی نام‌های تند و به‌واسطه فرهنگ و هنر از بعد زمان خارج شده و تبدیل به چهره‌هایی همه‌زمانی شده‌اند. در این حسینی یا مرحوم انتظامی داشته و دارند، برخودار نیستند و اگر کسی با اثر آنها مواجه شود شاید با اثرش فرهنگ است که افکار عمومی و شهروندان یک جامعه فرهنگسازان خویش را نمی‌شناسند و اطلاعی از ندارند کمتر به آنها توجه می‌شود و عموم مردم نیز کمتر با آنها آشنایی دارند. حتی پیش آمده که آنها از چنین چهره‌هایی پشتوانه‌های معنوی فرهنگ یک سرزمین محسوب می‌شوند و با شناخت آنها می‌توان

آپ نرسیده و در همان چاپ اول باقی مانده و حتی مخاطب از بودن‌شان اطلاعی ندارد، چون چهره‌ای که آیت‌های بصری احتمالی سود می‌برد تا عده‌ای بخواهند با خواندن اثر او در دایره مخاطبان‌ش قرار بگیرند رهنگی کوشش کرده و در روزگاری که چین و چروک بر جبینش افتاده کسی از او یادی نمی‌کند. بسیاری از

مومی سلیقه و ذائقه‌اش به سمتی کشیده شده که خواه‌ناخواه به این قبیل کتب و افراد گرایشی نداشته می‌کرده‌ایم.

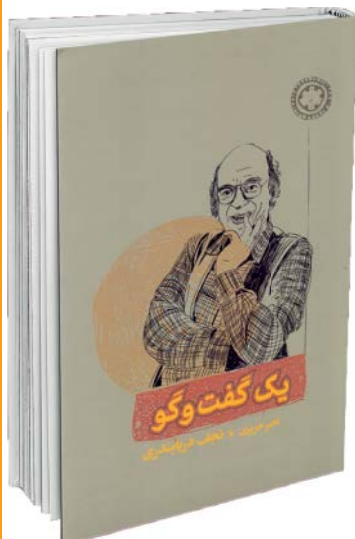
نجف دریابندری

نجف دریابندری از آن چهره‌های مهم در ادبیات کشور است. او و ترجمه‌هایش نقش مهمی در آشنایی ما با ادبیات جهان بازی کردند و از این‌رو در کنار شخصیت‌هایی مانند محمد قاضی، ابوالحسن نجفی و... باید نام نجف دریابندری را نیز قرار داد.

او در این کتاب با ناصر حریری به گفت‌وگو نشسته و روایتی از روزگار خود را در این گفت‌وگو مطرح کرده است. این کتاب نیز از آن آثاری است که به‌قدر کافی در میان اهل فرهنگ دیده‌نشده، در حالی که ما مصرف‌کننده

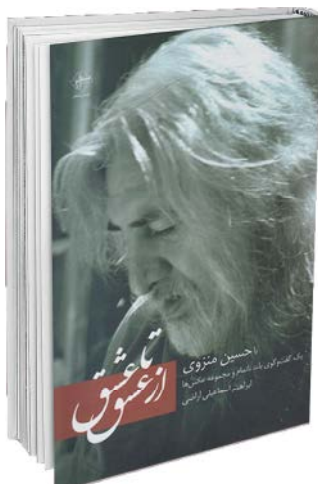
ترجمه‌های دریابندری هستیم ولی این کتاب که حکم پشت‌پرده ترجمه‌های دریابندری است را به خوبی ندیده‌ایم. دریابندری در این کتاب بی‌پرده درباره اشتباهات خود در امر ترجمه یا سلیقه‌اش از کتاب‌ها سخن گفته و سعی کرده تصویری دقیق از خود به خواننده نشان دهد، برای مثال بی‌نگرانی گفته که از بوف کور هدایت خوشش نیامده و... مواردی از این دست را در این گفت‌وگو بازگو کرده است. به همین خاطر اهمیت چنین کتابی در شناخت این چهره و جریان‌های فرهنگی زمانه خودش بر کسی پوشیده نیست، اما می‌بینیم که این نیز مانند تمام آنچه پیشتر گفته شد، دیده نشده است.

این در حالی است که برای یک خواننده معمولی نیز این گفت‌وگو می‌تواند سودمند باشد چه رسد به کسانی که قوت غالب‌شان در مطالعه، ترجمه‌های رنگارنگ از مترجمان تازه‌کار است. در این کتاب یک مترجم از چم و خم ترجمه حرف زده است و از این رو برای مصرف‌کنندگان ترجمه اثری آموزنده محسوب می‌شود.



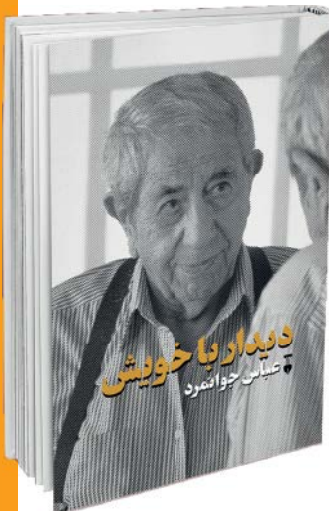
حسین منزوی

حسین منزوی حتماً چهره مشهوری است و بعید است در میان ما ایرانیان اهل شعر کسی باشد که بیت یا مصرعی را از منزوی نشنیده باشد. سلطان غزل، لقبی است که به او می‌دهند و از او به‌عنوان یکی از ستون‌های غزل معاصر یاد می‌کنند. کتاب «از عشق تا عشق» یک گفت‌وگوی بلند ناتمام با حسین منزوی است که ابراهیم اسماعیلی اراضی انجام داده، اما اجل به منزوی و اراضی فرصت تکمیل آن را نداد. این کتاب نیز با وجود اهمیت منزوی و جایگاه او در شعر معاصر، دیده نشده و حتی علاقه‌مندان به غزل منزوی نیز از بودنش بی‌اطلاعند! منزوی در این کتاب روایتی از کودکی تا سال‌های دهه ۴۰ و ۵۰ که دانشجوی بوده، بازگو کرده است. روایتی که فضای فرهنگی روزگار گفته شده را به خوبی ترسیم می‌کند و نشان می‌دهد چه وضعیتی بر دانشگاه و محافل روشنفکری حاکم بوده است.



عباس جوانمرد

عباس جوانمرد در کتاب «دیدار با خویش» دست به نوشتن خاطرات خود از اولین حضورش بر صحنه تئاتر زده است. روایتی که هم از بعد فرهنگی و هم از بعد تاریخی اهمیت دارد و می‌تواند هم نمایی از مسیری که تئاتر کشور طی کرده به خواننده نشان دهد و هم برشی از تاریخ را به خواننده نشان دهد. این کتاب با توجه به این‌که یک اتوبیوگرافی است می‌تواند در رساندن خواننده به شناختی از فضای فرهنگی به‌ویژه تئاتر ایران در سال‌های مختلف او را کمک کند. این کتاب یکی از آثاری است که با وجود درگذشت مؤلفش در همین اواخر، اما اسمی از آن مطرح نشد و با وجود گذشت چندسال از انتشارش همچنان در چاپ اول با تیراژ ۷۷۰ نسخه مانده است. این نشان می‌دهد حتی اهالی تئاتر و علاقه‌مندان به این رشته نیز واکنشی به این کتاب نداشته‌اند و اندازه کتاب‌های نوقلم‌مان این روزهای ادبیات داستانی نیز فروش نداشته است در حالی که این انتظار زیادی نیست توقع داشته باشیم اهالی تئاتر از دانشجویان تا فعالان این رشته روایتی از زندگی یکی از پیشکسوتان رشته خود را بدانند و خوانده باشند!



عبدالرحیم جعفری

می‌گویند ما منتظر فرهنگ و محصولات فرهنگی رایگان هستیم و حاضر نیستیم بابت آن از جیب هزینه کنیم. نه در پی رد و نه در پی تایید این سخنی، ولی آنچه روشن است این که رایگان بودن محصولات فرهنگی هم نمی‌تواند عامل جذب مخاطبان به خواندن و مطالعه شود. «در جستجوی صبح» مصداق خوبی برای این موضوع است.

این کتاب که خاطرات مؤسس انتشارات امیرکبیر از کودکی تا سال‌های میانی عمرش را دربرمی‌گیرد به صورت رایگان در بستر «طاقچه» عرضه شده، ولی دیده‌شده بسیاری حتی از وجود آن نیز اطلاعی ندارند. بر همین اساس خواندن و نخواندن ما ارتباط چندانی با جیب و محتویات آن ندارد. این کتاب روایتی است از زندگی عبدالرحیم جعفری که به قلم خودش با نثری روان و محکم نوشته شده است. خواننده از خلال روایت زندگی او می‌تواند شرایط اجتماعی، سیاسی و فرهنگی ادوار مختلف کشور را - البته از منظر و نگاه نویسنده - نیز به تماشا بنشیند.

